

در گفت وگو با سردار سعید اردستانی بررسی شد

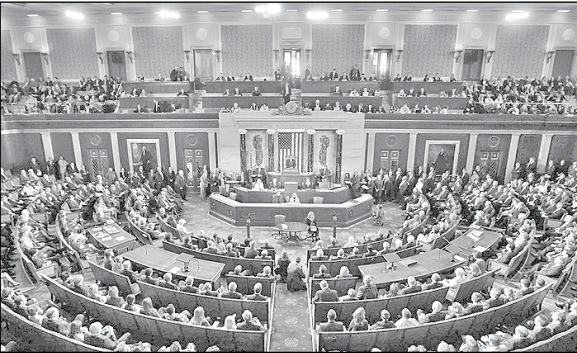
مرصاد؛ عملیاتی که نقش آمریکا را در حمایت از منافقین آشکار کرد

مجتبی بزرگر

مضاعف میان نیروها این طور گفت که شما ۴۸ ساعت دیگر تهران هستید، هیچ ناراحتی نداشته باشید چون مردم در خلال پیشروی به شما می‌پیوندند! از پایگاه هوایی نوزه همدان نترسید نیروی هوایی ارتش عراق سه ساعت به سه ساعت آن‌جا را بمباران می‌کند یا پایگاه هوایی تبریز هم همین‌طورا

فروغ جاویدان یا مرصاد

وی در ادامه تشریح روز عملیات گفت: پس از پذیرش قطعنامه ۵۹۸، ارتش عراق در اقدامی شتابزده، منطقه خوزستان را بار دیگر مورد هجوم گسترده قرار داد و تا جاده اهواز – خرمشهر پیشروی



دو

منافقین اوایل تیر ۶۷ اجتماعی را در واشنگتن کنگره آمریکا (مروین دایملی) در جریان این تظاهرات خطاب به منافقین اعلام کرد اتحاد خودتان را حفظ کنید و دست از تلاش بردارید؛ به زودی از سمت مهران به طرف تهران رژه خواهید رفت. از همان روز بود که شعار «امروز مهران، فردا تهران» را سر دادند.

دیدار با صدام و وطن فروشی
وی افزود: سازمان منافقین با پخش این فیلم در میان نیروهای خودش یک انرژی کاذب در آن زمان ایجاد کرد تا به قطعنامه ۲۷ تیر رسید. در زمان پذیرش قطعنامه با توجه به حملاتی که ارتش عراق در نقاط مختلف مرزی به راه انداخته بود موفق شده بودند بعضی از نقاط را از ما پس بگیرند. مثل فاو، حاج عمران و… پذیرش قطعنامه از نگاه سازمان منافقین، نشانه ضعف ایران تلقی شده بود. چون با پذیرش قطعنامه، ارتش عراق سه روز بعد هجوم سراسری خودش را شروع کرد و تا محاصره خرمشهر پیش رفت. اما با افزایش یگان‌ها، عراق را یک بار دیگر مجبور به عقب‌نشینی کردیم. به ارتش عراق ثابت کردیم که این فریاد ذلت از بابت پذیرفتن قطعنامه را بیهوده سر می‌دهد. در همین موقعیت، مسعود رجوی با صدام دیداری می‌کند

و از او می‌خواهد با ایران وارد عملیاتی بشود. صدام هم نیروهای اطلاعاتی خودش را به مناطق مهم اعزام می‌کند که شرایط را برای عملیات سازمان مهیا سازد. در مشورت کارشناسان و مسعود رجوی به منطقه مهمی به نام قصرشیرین رسیدند.
۴۸ ساعت دیگر در تهران هستیم!

این فرمانده و روایتگر دفاع مقدس در مورد سازماندهی منافقین، خاطرنشان کرد: این سازمان در جریان تهیه کالک و بررسی منطقه و آماده‌سازی نیروهای موجود در اردوگاه اشرف متوجه کمبود نیروی انسانی می‌شود. این کمبود را با پشتیبانی هوایی از سوی اروپا و آمریکا مرتفع می‌کنند و به این واسطه توانستند استمداد نیروهایشان را به مرز پنج هزار نیرو برسانند. بسیاری بر این باور بودند که این اتفاق را سازمان مجاهدین خلق ایجاد کرد اما نمی‌تاند که همه سناریو، پشتیبانی و بحث‌های مالی این عملیات را آمریکا و رژیم بعث عراق در حلقه اتحاد و انسجام پدید آورند و منافقین را در این راه یاری کردند. مسعود رجوی برای ایجاد بارقه امید و انگیزه

دو

کرد و خرمشهر را نیز در معرض تهدید قرار داده بود. به این ترتیب در حالی که اغلب یگان‌های ایران در جبهه جنوب مستقر بودند، منافقین از اوضاع داخلی ایران سوءاستفاده کردند و از مسیر پاتاق یک تنگه چهار زبر پیشروی کردند. منافقین طرح عملیات خود را در یک جلسه ۲۴ ساعته آماده کرده بودند و در تاریخ ۲۱ تیر، نیروهای خود را توجیه کردند و نام عملیات خود را هم فروغ جاویدان گذاشته بودند. گویا در همان جلسه، منافقین به خیال واهی پیشروی تا تهران،



واکنش رجوی به شکست

وی خاطر نشان کرد: رزمندگان خودی در روز پنجم مراد عملیات مرصاد را رمز «با علی بن‌ابی‌طالب(ع)» آغاز کردند و طی چندین ساعت، صدها تن از منافقین را به هلاکت رساندند و مابقی را به فرار وا داشتند. در این عملیات، رزمندگان اسلام از قسمت سه راهی اهواز (پشت پمپ بنزین اسلام‌آباد) دشمن را دور زدند و تلفات زیادی به منافقین وارد کردند. طبق یک آمار، بیش از دوهزار و ۵۰۰ نفر از منافقین در این عملیات به هلاکت رسیدند. تنگه چهار زبر که محل زمین گیر کردن نیروهای منافقین بود امروز به مرصاد معروف شده است. جایی که نیروهای رزمنده کشورمان به دلیل کمین برنامه‌ریزی شده توطئه شوم نیروهای منافقین را خنثی کردند. مرصاد یعنی کمین… پس از این شکست سنگین، مسعود رجوی در یک جلسه شروع به صحبت کرد. با این مضمون که: «اتکای ما به نیروها بود. یعنی در واقع از اقدامات فرای میدان غافل شدیم. آنچه باعث نابودی ما شد از بین‌رفتن انگیزه‌های سیاسی بود». به هر طریقی می‌کوشید طعم تلخ این شکست سنگین را برای منافقین کمرنگ‌تر کند.

دستاوردهای عملیاتی بعد از جام زهر

این روایتگر دفاع مقدس به دستاوردها و نتایج این عملیات اشاره کرد و گفت: پرونده هشت سال دفاع مقدس در بعد سخت افزاری آن با شکست منافقان در عملیات مرصاد بسته شد. این نبرد که به نوحی می‌توان آن را نهروان ایران نامید، در روزهای آغازین مردامه سال ۶۷ در گرفت و با شکست سنگین نیروهای مسعود رجوی پایان یافت. بحث اصلی اینجاست که شکست منافقین در عملیات مرصاد که فروغ جاویدان نامیده می‌شد چه دستاوردها و بازتاب‌هایی در داخل و خارج از کشور از خود برجای گذاشت.نکته حائز اهمیت مقطع حمله این گروهک بود. در فاصله پذیرش قطعنامه ۵۹۸ توسط حضرت امام خمینی(ره) که ایشان از آن به عنوان نوشیدن جام زهر نام بردند، تا حالت قطعیت یافتن آن، زمانی بود که منافقین به آن به عنوان فرصتی مفتنم جهت ساقط کردن نظام جمهوری اسلامی ایران(به زعم خود) نگاه می‌کردند. از طرفی، نظر به این که در آن برهه توجه عمده نیروهای ایران به جنوب کشور بود، منافقین در این فکر بودند که از طریق جبهه غرب در طی چند روز حکومت اسلامی ایران را برانندازند. اما از آنجایی که حضرت امام خمینی(ره) درحوزه سیاست خارجی دیپلماسی فعالی داشتند، می‌توان چنین عنوان کرد که مسعود رجوی انتظار پذیرش قطعنامه را در آن شرایط از طرف امام راحل نداشت و پذیرش قطعنامه توسط امام راحل به نحوی موجب غافلگیری وی شد. او فرصت نیافت تا سازماندهی چندین منسجم و یکنواختی را بین نیروهایش ایجاد کند و مجبور شد در طی مدت زمان اندکی طرح حمله به ایران و فتح تهران و سقوط جمهوری اسلامی ایران را طراحی کند. این طرح و برنامه مدون پیش از آن که شکل یک اتخاذ استراتژی نظامی داشته باشد، به طنز شبیه بود، این طنز مصرح را می‌توان چنین تشریح کرد که شخصی می‌بندارد حکومتی که یک ارتش تا بن دندان مسلح با انواع و اقسام حمایت‌های همه جانبه و سازماندهی نظامی عالی نتوانست آن را در طول هشت سال از پای درآورد، می‌تواند با یک ارتش بدون سازمان و غیر نهاده‌نی شده در طول چند روز سرنگون کند.

وی در خاتمه افزود: اتکای تئوریک مسعود رجوی، حمایت‌های مردمی بود، اما غافل از این که مردم، تصور مطلوبی از وی ونیروهایش نداشتند و کمترین اعتماد ممکن نسبت به آنها در لایه‌های فکری و تجربی ملت ایران وجود نداشت. غفلت رجوی و تئوریسین‌های نظامی وی از وضیت فکری سیاسی داخلی ایران را می‌توان علت اصلی شکستت سازمان منافقین در عملیات مرصاد محسوب کرد. جدید رزمندگان ایرانی و جمع آوری نیرو، منافقین زمین گیر شدند. نیروهای خودی در فاصله ۲۰۰ متری آنان در ارتفاعات چهارزبر ضمن تشکیل خط پدافندی با آنان درگیر شدند و بعدازظهر چهارم مرداد با محاصره شهر اسلام‌آباد، به منظور انسداد عقبه و راه فرار، سه راه داخلی و تاثیرات و دستاوردهای خارجی تقسیم کرد.

که می‌توان تقصیر آن را به گردن جمهوری اسلامی انداخت، بسیار مناسب هستند. از این جهت و برای ایجاد جنون جنگ در غرب، برای آدم ماشینی‌های قاتل درد، «گروهک تروریستی منافقین به اقدامات مهلک تروریستی می‌نند و ایران مقصر شناخته می‌شود. وی در پایان این سؤال را مطرح کرد که چگونه می‌توان اقدام علیه ادعای نقض آشکار تصور کرد که این حیوانات که ۱۲ هزار نفر از مردم خود را کشتند، آن قدر وجدان داشته باشند که مردم سایر کشورها را نکشند؟ (همان)

«شیر داگان» رئیس‌سابق موساد نیز در گفت‌وگو با تلویزیون «سی-بی-اس» آمریکا صراحتاً فاش کرد بود که این رژیم غاصب به گروهک منافقین و گروه‌های مسلح تروریستی که دستورکارشان براندازی نظام جمهوری اسلامی ایران باشد، کمک می‌کند! اعضای جدانشده گروهک منافقین نیز اذعان دارند که بخش اعظم بودجه منافقین توسط رژیم صهیونیستی و سازمان اطلاعات عرستان تامین می‌شود اما مزدوری منافقین برای رژیم صهیونیستی تنها به انتشار اسناد جعلی درباره پرونده هسته‌ای ایران محدود نمی‌شود؛ کیست که نداند دانشمندان هسته‌ای ایران با همکاری منافقین و موساد به شهادت رسیدند؟ سیمور هرش روزنامه‌نگار برجسته آمریکایی در این باره اعلام کرد که رژیم صهیونیستی واحدهای فرقه منافقین را برای قتل پنج دانشمند هسته‌ای ایران در سال‌های بین ۲۰۰۷ تا ۲۰۱۲ موظف نشان داد و حمایت مالی کرده است. (همان)همچنان که طی سال‌های خربین مارهای سنی داعش به ایران حمله‌های تروریستی در ایران و سایر مکان‌ها مثل آمریکا و اروپا و عراق و سوریه، بارها خبرهایی



عراق، حمایت علنی کنگره، سنا و دولت آمریکا را نیز یکد می‌کشید. در ۳۰ خرداد ۶۷ حدود ۱۲۸ نماینده کنگره و ۱۴ سناتور آمریکایی طی نامه‌ای به جورج سولتز» وزیر خارجه وقت آمریکا اکیداً از وی خواستند که از گروهک منافقین در عراق حمایت نکند و «مروین دایملی» نماینده کنگره آمریکانی نیز در روز دوشنبه ششم تیر۶۷ در تظاهرات گروهک در واشنگتن شرکت کرده و طی سخنانی گفت: «نباید دست از تلاش کشید مطمئن باشید که با کمی تیر و تاش بیشتر به زودی از مهران به تهران رژه خواهید رفت.» در واقع می‌شود تهران برنامه مشترک آمریکا و اسرائیل و غرب در کشتار افراد بیشتری نسبت به گذشته مورد استفاده قرار خواهند گرفت. وی این چنین استدلال کرده که از آنجایی که مجاهدین خلق- یروانید منافقین- ایرانی هستند برای حملات تروریستی در ایران و سایر مکان‌ها مثل آمریکا و اروپا مقاومت، «مرصاد» نقطه پایان

اجرای عملیات از طرف منافقین را برای آن دانست که «حساب جنگ آزادیبخش را از حساب درگیری رژیم با عراق جدا کند» و افزود: «معنای عملیات فروغ جاویدان اعلام همین موضع سیاسی بود. از این رو اجزای عملیات می‌بایست تابع الزام‌های سیاسی باشد، نه تابع ملاحظات عملیات را «پاسخی سیاسی»

پنجم مرداد سال ۶۷، به ظاهر یک روز است، اما خود یک تاریخ است و الگوی است برای همه جنبش‌های مقاومت. روزی که مردم ایران، یکی از دشمنان اهریمنی خود را شکست دادند و این تجربه‌ای شد برای به زانو در آوردن همه دشمنان بشریت.

به پذیرش قطعنامه ۵۹۸ از سوی ایران معرفی کرده است. بی‌بی‌سی، به نقل از این توریست نوشته است: «هدف رژیم از پذیرش قطعنامه پیش از هر چیز اجرای آتش‌بس و بسته شدن مرزها بود تا نیروهای ارتش آزادبخش ملتی امکان ورود به خاک میهن را پیدا نکنند.» او

صفحه ۶

یک‌شنبه‌اول مرداد ۱۳۹۶

۲۸شوال ۱۴۳۸ – شماره۶۷۷۲

عملیات مرصاد
به روایت شهید شوشتری
فرهنگ مقاومت-
کتاب «شوشتری به روایت همسر» به تازگی توسط انتشارات روایت فتح و به قلم مریم عرفانپان چاپ شده که در بخشی از آن اشاره‌ای به عملیات مرصاد شده است. در این قسمت از کتاب می‌خوانیم:
توی اسلام‌آباد اعلامیه‌های منافقین با این مضمون که تا ظهر باختران محاصره می‌شود، پخش شده بود. نگران شدم و در دل گفتم: «اگر برایمان اتفاقی بیفتد، چه می‌شود!» یقین داشتم؛ نوعی هم نگران ماست. نماز صبح را که خواندم از خانه بیرون رفتم و سوار پیکان سفیدرنگی شدیم. وحشت، شهر را فرا گرفته بود. همه جا شلوغ بود و انگار منافقین توانسته بودند باختران را محاصره کنند! هر کسی با ماشین، یک نفر با دوچرخه، دیگری با گاری و حتی هر وسیله‌ای سعی می‌کرد زن و بچه‌اش را از شهر خارج کند! ماشین‌ها خیلی کم‌تر از آدم‌ها بود. جاده ترکیبی شده بود از ماشین‌ها و مردم‌ها به سوی باختران می‌آمدند. تعداد جمعیت رزمنده‌هایی که می‌آمدند طرف باختران و مردمی که می‌رفتند خارج شهر؛ طوری که پیکان خیلی آرام و کند حرکت می‌کرد. حدود ساعت‌های ده، یازده تازه توانستیم از باختران بیرون برویم.

حاج آقای مروی در تمام مدت سفر، زهرا را بغل گرفته بود و حتی به چهارش غذا می‌گذاشت تا من به بچه‌های دیگر برسم. مهناز چهارده‌ساله، فرج‌الله یازده‌ساله، روح‌الله نهم‌ساله،



حسین هفت‌ساله، زهرا دوساله و فاطمه هفت‌ماهه بودند. شب اول سفر، توی یکی از پارک‌های شاهرود خوابیدیم و شب بعد هم به خانمان در نیشابور رسیدیم. وقتی باختران آمدن امانان شد، نوعی تلفن کرد و گفت: «من رو اینجا تنها گذاشتید؟» گفتم: «شما خودتان گفتید برگردیم اگر نمی‌آیدیم و اتفاقی می‌افتاد که ناراحت می‌شدید.» او بلافاصله گفت: «حالا خطری وجود نداره، می‌تونید برگردید باختران.»

چون دوست داشت تا جایی که ممکن است کنارش باشیم، بهانه دیگری نیابوردم. می‌دانستم لباس‌هایش را از تنش در نمی‌آورد تا دیگری بشوید؛ از طرفی هم گاهی اصلاً فرصت شستن لباس‌هایش را نداشت، آن قدر که در تنش می‌پوسید. می‌گفت: «دوست ندارم زحمت کار شخصی‌ام به عهده کسی بیفتد.» با اینکه بچه‌ها سختی می‌کشیدند، قرار شد سه، چهار روز بعد دوباره همراه آقای مروی برگردیم باختران.

گفتم: «با بچه‌های کوچیک این همه راه اومدیم و حالا می‌گید برگردیم؟ بچه‌ها خسته‌ان.»

چون دوست داشت تا جایی که ممکن است کنارش باشیم، بهانه دیگری نیابوردم. می‌دانستم لباس‌هایش را از تنش در نمی‌آورد تا دیگری بشوید؛ از طرفی هم گاهی اصلاً فرصت شستن لباس‌هایش را نداشت، آن قدر که در تنش می‌پوسید.

می‌گفت: «دوست ندارم زحمت کار شخصی‌ام به عهده کسی بیفتد.» با اینکه بچه‌ها سختی می‌کشیدند، قرار شد سه، چهار روز بعد دوباره همراه آقای مروی برگردیم باختران.

گفتم: «با بچه‌های کوچیک این همه راه اومدیم و حالا می‌گید برگردیم؟ چه خبر؟» گفتم: «الحمدلله…بیروز شدیم.»

بعد از عملیات مرصاد هم وقتی گزارش عملیات را تلفنی به سیداحمد خمینی می‌دهد، ایشان می‌گویند: «امام خمینی(ره) خطاب به شما و نیروهایتان فرمودند اگر توی این دنیا نتوانستم برایتان کاری انجام دهم، توی آن دنیا اگر آبرویی داشته باشم، قطعاً شفاعتتان می‌کنم.» هروقت این جمله را بر زبان می‌آورد، اشک در چشم‌های نوعی حلقه می‌بست و می‌گفت: «که امام من رو شفاعت کنه، هیچ غصه‌ای ندارم.»



شعر

یک جبهه سر تا به سر مرد
آیا فراموشمان شد؟

شعری از رضا اسماعیلی در پاسداشت عملیات مرصاد

آن داغ آژاده، آن درد، آیا فراموشمان شد؟!

آن زخم‌های جاورمدر، آیا فراموشمان شد؟!

هنگامه آتش و خون، طوفان‌سواران مجنون
آن جاده‌های پر از گرد، آیا فراموشمان شد؟!

مردان سبز علمدار، آن حمله‌های علی‌وار

یک جبهه سر تا به سر مرد، آیا فراموشمان شد؟!

آن بغض‌های قدیمی، آن زخم‌های صمیمی

آن سینه‌های پر از درد، آیا فراموشمان شد؟!

داغ شیبخون خنجر، بر گرده‌های دلاور

آن وحشت ناجوانمرد، آیا فراموشمان شد؟!

خورشید مردان شاهد، آینه‌های مجاهد

در غربت این شب سرد، آیا فراموشمان شد؟!

امروز در خواب عادت، آن هشت فصل شهادت

ای مردم خوب همدرد! آیا فراموشمان شد …!؟